نشریه علمی مطالعات انقلاب اسلامی
دوره ۱۸، پاییز ۱۴۰۰، شماره ۶۶
مقاله علمی ـ پژوهشی
صفحات: ۱۶۶ ـ ۱۴۵

Scientific Journal
ISLAMIC REVOLUTION STUDIES
Vol. 18, Autumn 2021, No. 66
Scientific Research Article

راهکارهای همگرایی در روابط سیاسی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان

سید ابراهیم معصومی*
مصطفی ملکوتیان**
امیر سیاهپوش***

چکیده

رابطه ایران و آذربایجان، فراز و نشیب‌های گوناگونی را تجربه کرده است، دوره‌ای به همگرایی نزدیک شده و دوره‌ای نیز واگرا بوده است، در چنین فضایی، گفتمان‌های متفاوت در کشور آذربایجان شکل گرفته که باعث ایجاد محیط مستعدی برای رشد گروه‌های ضد جمهوری اسلامی ایران شده است همین امر باعث ایجاد فضای غبارآلود بین این دو کشور شده است، حال چه راهکارهایی در راستای همگرایی در روابط سیاسی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان وجود دارد؟ در این سپهر، مقاله حاضر با تحلیل و تبیین عوامل و موانع همگرایی بین دو کشور تلاش کرده با بهره‌گیری از چارچوب نظری همگرایی با روش کتابخانه‌ای و میدانی، راهکارهایی برای همگرایی در روابط سیاسی دو کشور ارائه کند در نهایت در حوزه سیاسی راهکاره‌های تأسیس کمیته مشترک سیاسی، تأسیس مجمع سیاسی اکو، پیمان امنیتی، حمایت از تمامیت ارضی یکدیگر، ایجاد تعادل میان کشور آذربایجان و ارمنستان با حفظ رویکرد مثبت آذربایجان به ایران و خنثی کردن عملکرد ترکیه، عربستان و اسرائیل در آذربایجان را ارائه کرده است.

---

*. دانش‌آموخته دکتری مدرسی معارف اسلامی، گرایش انقلاب اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم و مدیر گروه مطالعات منطقه‌ای مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام. (نویسنده مسئول) masoumi2828@gmail.com
**. استاد تمام گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران. mmalakot@ut.ac.ir
***. استادیار گروه انقلاب اسلامی دانشگاه معارف اسلامی، قم. amirsiahpoosh370@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۳
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۳۰

واژگان کلیدی

راهکار، همگرا، جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان.

مقدمه

جمهوری آذربایجان در حوزه تمدنی ایران و به‌عنوان یکی از ایالت‌های مهم ایران در ۱۵۰ ساله گذشته بوده که توسط قراردادهای گلستان و ترکمنچای از ایران جدا شده است. آذربایجان در سال ۱۹۹۱ م مصادف با سقوط شوروی، به‌عنوان یک کشور مستقل شناخته شد. سقوط شوروی فضای تازه‌ای ایجاد کرد تا ایران در آسیای میانه و قفقاز به شکل کلی و در جمهوری آذربایجان به شکل خاص حضور یابد. اهمیت کشور آذربایجان به جهت ریشه‌های قومی و مذهبی، برای جمهوری اسلامی ایران از دیگر کشورهای منطقه بیشتر است، توضیح آنکه حوزه آسیای میانه و قفقاز هر دو در حوزه تمدنی ایران قرار دارند اما به لحاظ قومی، زبانی و مذهبی با ایران تفاوت‌های جدی دارد، در حالی که کشور آذربایجان به لحاظ مذهبی بالغ بر ۸۰ درصد شیعه اثناعشری می‌باشند و به لحاظ قومی نیز آذری هستند و ارتباطات فرهنگی محکمی با ایران دارند. لذا پیش‌بینی می‌شد که جمهوری آذربایجان بعد از استقلال، بیشتر به ایران نزدیک شود اما این کشور نه تنها فاصله خود را با جمهوری اسلامی ایران حفظ کرد بلکه رابطه دو کشور بیش از حد معمول امنیتی شد. در طول این سه دهه، این دغدغه یعنی موضوع آذربایجان و نحوه تعامل جمهوری اسلامی ایران با آذربایجان به‌صورت دقیق مورد بررسی قرار نگرفته است و پرداختن به موضوع آذربایجان از این حیث کار نو و جدیدی است، لذا شناخت دقیق آسیب‌ها و فرصت‌ها، راهبردها و راهکارهای همگرایی بین دو کشور را تبیین و به منصه اجرا می‌رساند تا دو کشوری که به لحاظ فرهنگی، مذهبی مشترک و حوزه تمدنیِ واحدی دارند، بتوانند با هم در تعامل مثبت باشند.

چارچوب نظری تحقیق

مدل همگرایی

درباره شکل‌گیری مدل همگرایی، نظریه‌های مختلفی ارائه شده است. یکی از این نظریه‌ها، نظریه فدرالیسم است که با تکیه بر توافق‌های جمعی و ارادی بین دولت‌ها، همگرایی را توضیح می‌دهد. این نظریه معتقد است که با انعقاد قرارداد بین ملت‌ها می‌توان به چارچوبه‌های جمعی برای همکاری با یکدیگر دست یافت. نظریه دیگر نظریه ارتباطات است که با توجه به گسترش ارتباطات بین جوامع، همگرایی را تبیین می‌کند. طبق این نظریه گسترش ارتباطات پیچیده بین جوامع، باعث همگرایی بین

آنها می‌شود. نظریه سوم نیز نظریه کارکردگرایانه است که به کارکردگرایی قدیم و جدید تقسیم شده است. کارکردگرایان معتقدند که با آغاز همکاری در حوزه‌های تخصصی و فنی و تعمیم یافتن آن به سایر حوزه‌ها، امکان همگرایی بین ملت‌ها فراهم می‌شود. هر کدام از این نظریه‌ها مبنای شکل‌گیری همگرایی و راه رسیدن به آن را توضیح داده است. اما آنچه در این نظریه‌ها تبیین می‌گردد، چگونگی همگرایی بین دولت‌ها به‌عنوان واحدهای مستقل ملی است. برای تبیین چگونگی وقوع همگرایی بین جوامع، می‌توان از این نظریه‌ها سود جست. اما تبیین فرایند شکل‌گیری همبستگی در هر جامعه و عوامل مؤثر در ایجاد همبستگی بین دو جامعه، بهتر می‌تواند امکان ظهور همگرایی یا واگرایی بین دو جامعه را توضیح دهد. آنچه موجب ظهور همبستگی بین جوامع می‌گردد، وجود عواملی در داخل این جوامع (که منجر به پیوند بین آنها می‌گردد) از یک سو، و برنامه‌ریزی و اجرای فرایندهایی که موجب تقویت این پیوندها می‌گردد، از سوی دیگر است.

در درون جوامع، وجود عواملی مانند تاریخ مشترک، دین و اعتقادات مشترک، قومیت، زبان، آداب و رسوم، و فرهنگ مشترک، احساس هویت مشترک، منافع مشترک، داشتن دشمن مشترک، ایده‌ها و آرزوهای مشترک، برخورداری از سازمان‌ها، ساختارها و نهادهای اداری مشترک و نظایر اینها موجب ایجاد همبستگی در بین اجزای آن جامعه می‌گردد. در مقابل، فقدان مشترکاتی از این نوع، و تفاوت‌ها و اختلافات در این موارد، مانع شکل‌گیری همبستگی می‌گردد. با وجود عوامل و مشترکات همبسته‌ساز، با استفاده از ابزارها و شیوه‌هایی که در نظریه‌های همبستگی مطرح شده است، می‌توان آنها را تقویت کرد و جوامع را به سوی همگرایی سوق داد. چارچوب نظری هر پژوهشِ مرتبط با حوزه‌های واقعی، در واقع پلی است میان جزیره انتزاعیات تحقیق با داده‌های برآمده از جهان واقع که در فرایندی هم‌افزا، تکامل‌بخش و دوسویه، به توجیه و هدایت تحولات جهان تعین پرداخته و گاه خود با آن محک می‌خورد. (Lieber, 1972: 40–50; Chalmers Johnson, 1968: 64; James N. Rosenau, 1971: 307–338)

ساختار تئوریک بحث در واقع ضمن سامان‌بخشی به فهم خواننده از حوادث و رویدادهای به‌ظاهر غیرمرتبط، به رازگشایی از ابهامات رفتاری و معنابخشی به کنش‌های بازیگران سیاسی می‌پردازد.

در این میان، هر چند در این پژوهش، اساسِ تحلیل فرایندهای همگرایی بر گزاره‌های تاریخی ابتناء یافته و روایت‌های تاریخی و مصاحبه، بخش معظم داده‌های این اثر را صورت‌بندی کرده است، با این حال توجه به این نکته حائز اهمیت است که اساساً تمامی یافته‌های تاریخیِ کاربست یافته در این نوشته، نه یک روایت داستان‌گونه از تاریخ که برشی هدفمند و به منظور اثبات چارچوب نظری ادعایی و کارامدی آن به استمداد طلبیده شده‌اند.

روشن است که سیطره و هژمونی الگوی نظری بر مناسبات تاریخی و موردی، می‌تواند بهترین گواه

بر بسط‌پذیری تجربه روندهای همگرایی دو کشور یادشده نسبت به دیگر کشورهای همجوار همچون گرجستان، روسیه، ارمنستان و... باشد. در نتیجه انحصار الگوی نظری ادعایی اثر یا فایده‌مند بودن نتایج تحقیق در حوزه مناسبات دو کشور در حوزه تمدنی واحد (ایران و آذربایجان) و عقیم بودن آن در محیط سیاسی سایر بازیگران بین‌المللی، بیش از هر چیز ریشه در تجاهل نسبت به بنیان‌های نظری اثر و قابلیت تعمیم‌پذیری آن خواهد داشت.

(Lieber, 1972: 40–50; Chalmers Johnson, 1968: 64; Rosenau, 1971: 307–338)

به باور نویسنده، الگوی ذیل می‌تواند به خوبی پاسخگوی چیستی و چرایی و چگونگی فرایندهای همگرایی میان بازیگران منطقه‌ای ـ از جمله: ایران و آذربایجان که چندین دهه هم‌زیستی گاه متضاد و گاه مسالمت‌آمیز در حوزه تمدنی واحد دارند ـ باشد. رهیافتی که به‌نحو کامل‌تر و منسجم‌تری می‌تواند زمینه‌ها و عوامل کنش‌های همگرا میان دو طرف را به تصویر کشد. الگویی که در آن تلاش می‌شود تا به بُعد انسانی تحولات و تغییرات اجتماعی، توجه بیشتری شده و نقش عامل دولت‌ها، گروه‌ها و عوامل انسانی نیز در پویش‌های سیاسی مورد عنایت بیشتری قرار گیرد.

۱. منابع بینشی (نظری، اعتقادی و ایدئولوژیک) مؤثر در ایجاد فرایندهای همگرایی؛

۲. منابع انگیزشی (مؤلفه‌های رهبران ایران و آذربایجان و کنش مردمی) مؤثر در ایجاد فرایندهای همگرایی؛

۳. منابع محیطی مؤثر در ایجاد فرایندها:

ـ منابع مرتبط با محیط داخلی؛

ـ منابع مرتبط با محیط خارجی (منطقه‌ای و بین‌المللی).

الگوی فوق دربرگیرنده هر سه ساحت بینشی (امور اعتقادی بین دو مردم، جامعه دیندار، اعلام شعائر توسط دو کشور و ...)، انگیزشی و محیطی کنشگری بازیگران بوده و با تمایزگذاری میان جهان شناخت‌های بازیگر با جهان انگیزه‌ها و ویژگی‌های شخصیتی وی، در تلاش است تا بر هر دو سرمنشأ «انسان ـ محورِ» تأثیرگذار در رفتارها و کنش‌های بازیگر انسانی پرتو بتاباند.

در حوزه انگیزشی نیز مؤلفه‌هایی چون انگیزش‌ها، ارجحیت‌ها، احساسات، عواطف، انفعالات، منافع کشوری، فردی، حزبی و گروهی، از جمله: رهبران دو کشور، شخصیت‌های تأثیرگذار، جریان‌ها و احزاب و.. و همچنین ویژگی‌های خاص شخصیتی ژنتیکی و اکتسابی، تجارب شخصی و اجتماعی و... می‌تواند در پدید آمدن کنشی خاص تأثیرگذار باشد. مسئله‌ای که عمدتاً در رشته تازه تأسیس روانشناسی سیاسی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. حوزه انگیزشی ـ به ویژه در بازیگران سیاسی فعال در کشورها و مناطقی همچون آذربایجان که نقش کنشگران از ساختارهای سیاسی و اجتماعی قوی‌تر و موثرتر است ـ از

اهمیت بیشتری برخوردار خواهد بود.

از جمله منابع محیطی می‌توان به: اشتراکات و پیوندهای تاریخی، عامل سیاسی، عامل قومی و زبان واحد اشاره کرد.

عوامل مذهبی و عامل فرهنگی و ... نیز به نوبه خود با قبض و بسط‌های خود و با تحمیل اقتضائات، محدودیت‌ها و فرصت‌های خود بر بازیگر انسانی، از دو طریق تغییر در نگرش، بینش و حتی انگیزش انسان‌ها، ایجاد انقلاب و تغییر در کنش‌های انسانی را موجب می‌شود. به‌طور طبیعی مطالعه ماهیت و کیفیت تأثیربخشی منابع محیطی برعهده حوزه‌هایی چون سیاست داخلی، سیاست خارجی، مطالعات منطقه‌ای، روابط بین‌الملل، امنیت‌پژوهی و تاریخ سیاسی است. با این حال، سه بعدی بودن این الگو به معنای آن نیست که در هر فرایند هم‌گرایانه‌ای، هر سه مؤلفه یادشده می‌بایست نقش‌آفرینی کنند، بلکه سخن از آن است که می‌توان عناصر یادشده را به‌عنوان منابع مؤثر احتمالی (اعم از حالت تجمیعی و یا انفرادی) در دو فرایند مذکور مورد نظر داشت. اگرچه به‌طور طبیعی، همگرایی ریشه‌دار و مستمر، عموماً از ترکیب بیشترین یا تمامی مؤلفه‌های سه‌گانه فوق پدید می‌آید. ذکر این نکته ضروری است که به‌دلیل محدودیت در حجم مقاله از تحلیل مؤلفه‌های سه‌گانه پرهیز شده و فقط به یکی از مؤلفه‌ها (محیطی) پرداخته شده است.

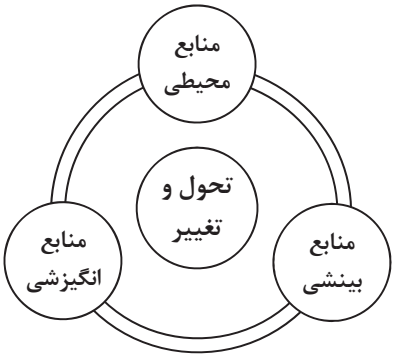

زمینه‌ها و موانع همگرایی ایران و آذربایجان

ردیف	زمینه‌های همگرایی	زمینه‌های واگرایی
۱	اشتراکات و پیوندهای تاریخی	مانع سیاسی
۲	عامل سیاسی	رویکردهای امنیتی متفاوت دو کشور
۳	عامل قومی و زبان واحد	مناقشه دریای خزر
۴	عوامل مذهبی	رابطه آذربایجان و آمریکا
۵	عامل فرهنگی	رابطه آذربایجان و اسرائیل

الف) زمینه‌های همگرایی در تقویت ارتباط جمهوری اسلامی ایران و آذربایجان

مجموعه‌ای از عوامل و زمینه‌ها در ایران و آذربایجان وجود دارد که این دو جامعه را به یک‌دیگر پیوند می‌زند و آنها را به‌سوی ارتباط بیشتر با یکدیگر سوق می‌دهد. این عوامل به‌عنوان عوامل تقویت کننده همگرایی بین این دو کشور شناخته می‌شوند. این عوامل به شرح ذیل هستند:

اشتراکات و پیوندهای تاریخی بین ایران و آذربایجان

مرور تاریخ دو جامعه ایران و جمهوری آذربایجان نشان می‌دهد که این دو جامعه در دوره‌های مختلف تاریخی، تاریخ مشترکی را پشت‌سر گذاشته‌اند. اسم جمهوری آذربایجان، ابتدا «آلبانیا» (آلبانیای قفقاز) و سپس «آران» بود و با نام ولایاتی همچون گنجه، شاماخی و شیروان شناخته می‌شد. این جمهوری قبل از استقلال، بخشی از اتحاد جماهیر شوروی و روسیه تزاری بود. اما قبل از آن و تا قرن ۱۹میلادی (زمان جنگ‌های دوگانه ایران و روس) بخشی از کشور ایران بود.

روابط فرهنگی دو کشور با توجه به اشتراکات تاریخی و فرهنگی دو طرف، زمینه بسیار مناسبی برای توسعه بیش‌تر دارد. طبعاً وجود علاقه‌های تاریخی و فرهنگی میان ایران و جمهوری آذربایجان در مقایسه با دیگر زمینه‌های همکاری، بستر مساعدتری را برای توسعه روابط دو طرف فراهم می‌کند، به‌نحوی که می‌توان با مبنا قرار دادن آن در سطح وسیعی، همکاری‌های متقابل اقتصادی، بازرگانی و... را بهبود بخشید. بنابراین به هنگام بحث درباره متغیرها و شاخص‌های انسجام اجتماعی میان دو کشور ایران و آذربایجان، می‌باید میراث مشترک تاریخی و فرهنگی را یک عنصر مثبت و سازنده در روابط طرفین ارزیابی کرد. (امیری، ۱۳۹۰: ۲۵۶ ـ ۲۵۵) مطالعه روابط تاریخی دو کشور ایران و جمهوری آذربایجان نشان می‌دهد که تعاملات مردمان و حکومت‌های دو کشور، ریشه در تاریخ طولانی در دوران باستان دارد. با توجه به اینکه فرهنگ، هویت و ارزش‌های حاکم بر یک جامعه در طول تاریخ و در فرایند گذر زمان شکل می‌گیرد، تاریخ مشترک دو ملت ایران و جمهوری آذربایجان نیز یکی از عوامل همگرایی آنها به حساب می‌آید. شیوع و ترویج مذهب تشیع ـ که از زمان شاه اسماعیل صفوی در منطقه قفقاز آغاز شد ـ زمینه پیوند منسجم‌تر بین این دو جامعه شیعی را بوجود آورد. این تاریخ مشترک موجب شده است تا مردم دو جامعه شیعی، سرگذشت مشترکی را پشت‌سر خود ببینند و از نظر فرهنگی، هویتی و برخورداری از ارزشهای تاریخی و اجتماعی، اشتراکات فراوانی را در بین خود بیابند. ازاین‌رو احساس قرابت و نزدیکی به یکدیگر می‌کنند و به‌سوی همگرایی تمایل می‌یابند. (تقی‌زاده داوری، ۱۳۸۹: ۱۹)

۲. عامل سیاسی در همگرایی بین ایران و آذربایجان

گرچه برخی از رویدادهای سیاسی در تاریخ موجب جدایی بین دو جامعه ایران و جمهوری آذربایجان شده است اما برخی از عوامل سیاسی در تاریخ معاصر عاملی برای تقویت همگرایی این دو حکومت به حساب می‌آید. در فرآیند فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال جمهوری آذربایجان، جمهوری اسلامی ایران اولین کشوری بود که استقلال جهوری آذربایجان را ـ در دی ماه ۱۳۷۰ ـ به رسمیت شناخت و روابط سیاسی خود را با این جمهوری از سطح کنسولگری به سفارتخانه ارتقا داد. این اقدام عاملی شد که دولت و ملت تازه استقلال یافته جمهوری آذربایجان، دولت و ملت ایران را دوست و حامی خود بیابند و حسن ظن و ایجاد احساس دوستی بین ملت جمهوری آذربایجان با جامعه ایران شکل گیرد. پس از آن همکاری‌های سیاسی دو کشور افزایش یافت و در چارچوب همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه به همکاری با یکدیگر پرداختند.

در شرایط موجود دو کشور ایران و جمهوری آذربایجان دو عضو سازمان اکو و همچنین سازمان همکاری اسلامی هستند و در طول قریب به بیست‌ویک سال گذشته تعاملات نسبتاً مناسبی را با یکدیگر داشته‌اند. اگرچه این روابط در پیچ‌وخم و فراز و نشیب‌های مختلفی گرفتار شده اما همواره تداوم یافته و تقویت شده است. (همان: ۳۳۸)

۳. عامل قومی و زبان واحد همگرایی جمهوری اسلامی ایران و آذربایجان

عوامل متعدد اجتماعی و فرهنگی نیز ایران و جمهوری آذربایجان را به یکدیگر پیوند می‌زند و موجب همگرایی بین آنها می‌شود. یکی از این عوامل اجتماعی درهم‌تنیدگی و پیوند خوردن اقوام مختلفی است که در ایران و جمهوری آذربایجان زندگی می‌کنند. اقوام مختلفی که در این سرزمین‌ها زندگی می‌کرده‌اند، در طول تاریخ آنچنان با هم در آمیخته‌اند که خود را از اقوام مختلف و متفاوت به حساب نمی‌آورند. (همان: ۱۸۰)

با توجه به این اختلاط و ترکیب‌شدگی اقوام، جدایی‌های قومی رنگ باخته است. ضمن آنکه با توجه به حاکمیت ایران ـ در دوره‌های مختلف تاریخی ـ بر جمهوری آذربایجان، مردمان این سرزمین به‌عنوان بخشی از جمعیت ایران، در موقعیت ممتازی می‌زیستند. «ترک‌های آذربایجان زمانی که به‌صورت‌های مختلف وابسته به ایران بوده‌اند، به‌صورت نیمه‌مستقل می‌زیستند، نه مانند یک ملت محکوم، بلکه به‌صورت عنصر حاکم زندگی می‌کردند. زیرا قرن‌ها بود که طبقه حاکمه ایران را ترک‌ها تشکیل می‌دادند». (رسول‌زاده، ۱۳۸۰: ۱۳) اختلاط‌های قومی و ترکیب شدن جمعیت‌های این سرزمین‌ها باعث شده تا آنها نسبت به یکدیگر احساس بیگانگی نداشته باشند. این وضعیت ارتباط سهل و آسان مردمان

دو جامعه را در مقاطع مختلف تاریخی فراهم آورده است. (نسیدزه، سرکیسیان، کریمو، ۲۰۰۲، قابل دسترس در: http://www.eva.mpg.de/genetics/pdf/Y_paper.pdf)

۴. عامل فرهنگی در تقویت همگرایی دو کشور

از دیگر عوامل همگرایی بین ایران و آذربایجان، عامل فرهنگی است. از بعد فرهنگی پیوندهای موجود بین این دو جامعه آنچنان ریشه‌دار و گسترده است که به راستی جدا دانستن مردم این دو جامعه از یکدیگر را دشوار می‌سازد. این دو جامعه در عرصه شعر و ادبیات و همچنین شعرا و نویسندگانی که به نوعی جزء مفاخر دو کشور شناخته می‌شوند ـ مانند نظامی گنجوی و خاقانی شیروانی ـ با یکدیگر اشتراکات فراوان دارند. اشتراکات در عرصه ادبیات و شعر و مشترک بودن در نوابغ و نام‌آوران ادبی موجب شده است تا مفاهیم مذهب شیعه و هزاران واژه پارسی، تعداد زیادی نام‌های جغرافیایی (مانند آبشوران، گنجه، باکو، شیروان و قفقاز و ...)، برخی باورها، فولکلورها، مثل‌ها، چیستان‌ها، آیین‌ها، ایده‌ها و عقیده‌ها بین مردم دو جامعه رد و بدل شود و ادبیات و فرهنگ واحدی را شکل دهد. این امر که پیوستگی عمیق تاریخی و فرهنگی بین مردم دو جامعه را موجب شده است، می‌تواند زمینه پیوند و همگرایی آنها را فراهم کند. در سال‌های اخیر ترجمه و ارسال کتاب‌های مختلف به جمهوری آذربایجان از جمله اقداماتی است که از سوی ایران و در جهت توسعه روابط مردم دو جامعه و گسترش آگاهی مردم آن کشور صورت گرفته است. (حافظنیا، ۱۳۷۶: ۳۰؛ اسدزاده، ۱۳۸۸، قابل دسترس در: http://www.farsnews.com/newstext.php)

ب) موانع همگرایی در روبط ایران و آذربایجان

با وجود عوامل مختلفی که همگرایی بین ایران و جمهوری آذربایجان را تقویت می‌کنند، برخی عوامل نیز وجود دارند که به‌صورت موانع همگرایی ایفای نقش می‌کنند. این موانع که در حوزه‌ها و زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی وجود دارند، موجب تضعیف همگرایی بین ایران و جمهوری آذربایجان می‌شوند. در این قسمت به برخی از این موانع اشاره می‌شود:

۱. مانع سیاسی در ایجاد همگرایی بین دو دولت

یکی از مهمترین موانع بر سر راه همگرایی ایران و جمهوری آذربایجان، موانع سیاسی است. از میان موانع سیاسی، مهمترین مانع، ناسیونالیسم و ملی‌گرایی منبعث از نظام وستفالیایی است. در حالی که شیعیان جهان بخشی از یک کل واحد به نام جهان تشیع هستند، در چارچوب نظام وستفالیایی، در

واحدهای کوچکتری به نام دولت ملی از یکدیگر جدا شده‌اند. با تشکیل دولت‌های ملی در چارچوب واحدهای ملی، منافع ملی شکل می‌گیرد. شکل‌گیری منافع ملی که بر منافع یک ملت تأکید دارد، در موارد بسیاری با منافع جمعی جهان تشیع که فراتر از مرزهای ملی است، سازگاری ندارد. در موارد بروز این ناسازگاری، اولویت دولت‌ها تأمین منافع ملی است. براین اساس ملی‌گرایی و تأکید بر منافع ملی ـ که از تقسیم‌بندی سیاسی ملت‌ها ناشی می‌شود ـ در تقابل با جمع‌گرایی ناشی از مذهب مشترک قرار می‌گیرد. این تقابل در مواردی که گرایش‌های ملی‌گرایانه افراطی ظهور و بروز پیدا می‌کند، تشدید می‌شود. ازاین‌رو نه‌تنها به‌صورت مانعی بر سر راه همگرایی بلکه به‌صورت عامل واگرایی ایفای نقش می‌کند. ملی‌گرایی در جمهوری آذربایجان در سال‌های بعد از استقلال از شوروی چنین وضعیتی ایجاد کرد. ایران و جمهوری آذربایجان دو کشور همسایه در منطقه خاورمیانه و قفقاز، هرکدام دارای شرایط و ویژگی‌های خاص خود هستند که آنها را به‌سوی اتخاذ خط مشی سیاسی خاص خود سوق می‌دهد. با توجه به ملی‌گرایی و تأکید بر منافع ملی در سیاست خارجی دولت‌ها، اتخاذ سیاست‌های مختلف، گاهی موجب ناخرسندی و اعتراض طرف مقابل می‌شود. در روابط ایران و جمهوری آذربایجان نیز سیاست‌هایی که جمهوری آذربایجان بعد از استقلال در پیش گرفت، موجب ناخرسندی جمهوری اسلامی ایران گردید. برخی از مواردی که ایران نسبت به سیاست‌های جمهوری آذربایجان ابراز ناخرسندی کرده از این قرار است:

۱. کمک به «نقش اسرائیل برای توسعه حوزه نفوذ (خود) در قفقاز، به‌ویژه در آذربایجان»؛ (تقی‌زاده داوری، ۱۳۸۹: ۳۴۰)

۲. دعوت از نیروهای آمریکایی (توسط جمهوری آذربایجان) برای حضور در منطقه در قالب همکاری‌های مختلف؛ (برزگر، ۱۳۸۳: ۲۵۰؛ احمدیان، ۱۳۸۴: ۳۶۴)

۳. همکاری‌های آینده ناتو و جمهوری آذربایجان؛ (تقی‌زاده داوری، ۱۳۸۹: ۳۳۹)

۴. تبلیغات پان‌ترکیستی آذربایجان با شعار «وحدت آذربایجانی‌های جهان»؛ (همان)

۵. انجام تبلیغات منفی بسیار گسترده علیه دولت دینی و مبتنی بر مذهب شیعه در ایران که نخبگان جامعه (جمهوری) آذربایجان را نسبت به مدل ایدئولوژی و نام سیاسی ایران بدبین ساخته ... است؛ (واحدی، ۱۳۸۶: ۱۰۵)

۶. مناسبات نزدیک ایران با ارمنستان که حدود ۲۰ درصد خاک آذربایجان را اشغال کرده است. (تقی‌زاده داوری، ۱۳۸۹: ۳۴۰ ـ ۳۳۹)

۷. تقسیم دریای خزر و تعیین رژیم حقوقی آن که مهمترین عنصر تأثیرگذار در تعیین مناسبات دو کشور است. (برزگر، ۱۳۸۳: ۲۵۱)

با توجه به سیاست ملی‌گرایانه و ضد دین دولت جمهوری آذربایجان، فعالیت‌های سیاسی در این کشور نیز به سمت و سویی سوق داده می‌شود که در آن بر دیدگاه‌های لائیک و ملی‌گرایانه تأکید می‌شود، اما گرایش‌های دینی و اسلامگرا محدود می‌شوند. در این وضعیت احزاب و تشکل‌های شیعی جمهوری آذربایجان با انواع محدودیت‌ها مواجهند، به‌طوری که مهم‌ترین تشکل شیعی که «حزب اسلامی» جمهوری آذربایجان است، چند سال پس از اخذ مجوز فعالیت از سوی دولت، غیرقانونی اعلام شد و همواره تحت فشار قرار گرفته و در حال حاضر نیز رئیس و ده‌ها نفر از اعضای آن در زندان به سر می‌برند. (واحدی، ۱۳۸۶: ۱۰۵ ـ ۱۰۶)

۲. رویکردهای امنیتی متفاوت دو کشور در عدم همگرایی

دو کشور ایران و جمهوری آذربایجان دغدغه‌های امنیتی متفاوتی دارند که در بیشتر زمان‌ها، روند نزدیکیِ روابط را با مشکل روبه‌رو می‌سازد. جمهوری آذربایجان امنیت خود را در پیوستن به غرب و ساختارهای اروپایی آمریکایی جست‌وجو می‌کند. حضور آذری‌ها به‌عنوان بزرگ‌ترین اقلیت قومی در ایران نیز، به نگرانی‌های امنیتی ایران دامن زده است. افزون بر این، مسائل دیگری نیز وجود داشته است که ایران از ناحیه جمهوری آذربایجان احساس ناامنی کند. یکی از مهم‌ترین آنها، طرح مسئله اتحاد دو آذربایجان و ایجاد آذربایجان بزرگ از سوی حکومت آذربایجان بوده است. ایلچی بیگ به‌عنوان رهبر جنبش آذربایجان واحد، یکی از مهم‌ترین طرفداران وحدت دو آذربایجان بود. او در موارد متعددی از اعتقاد خود به وحدت دو آذربایجان صحبت کرد و آن را در حداکثر پنج سال قابل تحقق خواند. (Brown, 2000: 590)

طبیعی است که این مواضع، واکنش‌هایی را در ایران برانگیخت. این روند در سال‌های بعد نیز ادامه یافت. البته باید گفت که موضع حیدر علیاف در مورد مسئله آذربایجانی‌های ایران ـ در تقابل با رقبای ملی‌گرایش ـ عمل‌گرایانه‌تر بوده است. راهبرد مهم وی، تغییر تمرکز از آذری‌های ایران به آذری‌های مقیم مهاجر بود. درحالی که بنابر دیدگاه ایلچی بیگ، آذربایجانی‌های ایران باید نقش اهرم فشار برای برقراری حقوق زبانی و فرهنگی درون ایران باشند تا در نهایت به استقلال آنها از این کشور منجر شود. علیاف برای آذری‌ها دو نوع وفاداری را مجاز می‌دانست؛ هم به‌عنوان شهروندان کشورشان و هم به‌عنوان میهن‌پرستان آذربایجانی. الهام علیاف سیاست پدرش در مورد این مسئله را با تبدیل کشور آذربایجان به‌عنوان سرزمین مادری مشترک برای همه آذربایجانی‌های جهان، دنبال کرد. درحالی که وب‌سایت وی، نسخه‌هایی طولانی از سخنان او نسبت به آذری‌های ساکن در اوکراین، گرجستان، روسیه سفید، مولداوی، روسیه، اروپا و ترکیه را ذکر کرده است، اما هیچ اشاره‌ای به آذری‌های ایران نداشته است. (Brown, 2000: 592)

حزب وی نیز در این زمینه بیشتر مواضع غیررسمی گرفته است. ازسوی‌دیگر، جمهوری آذربایجان در مقابل اعتراض ایران به این موضع‌گیری‌ها، ایران را به ایجاد ناآرامی‌ها در جامعه شیعیان این کشور متهم کرده است. در سال ۲۰۱۱ نهادهای ناظر بر اجرای قانون، رئیس و هفت عضو دیگر حزب اسلامی جمهوری آذربایجان را دستگیر کردند؛ دولت آذربایجان اتهام آنها را ارتباط با ایران عنوان می‌کرد. (چابکی، ۱۳۸۸: ۷۲)

۳. مناقشه دریای خزر در راستای عدم همگرایی بین دو کشور

مسئله تقسیم دریای خزر و تعیین رژیم حقوقی آن، یکی از مهم‌ترین عناصر تأثیرگذار در تعیین مناسبات دو کشور است. از آنجاکه مسئله خزر، یک مسئله سرزمینی است، از لحاظ تأمین منافع ملی و افکار عمومی هر دو کشور ـ خصوصاً ایران که مناطقی از شمال کشور را در قرون گذشته از دست داده‌اند ـ از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است. در طول سال‌های گذشته و در اجلاس مختلف، دیدگاه‌های دو کشور در این موارد کاملاً در جهت مخالف یکدیگر بوده و لذا به عنوان یکی از منابع اصلی تنش بین دو کشور باقی مانده است. دیدگاه ایران در شروع مذاکرات در خصوص رژیم حقوقی جدید دریای خزر مستند بر معاهدات ایران و شوروی به ویژه معاهدات ۱۹۲۱، ۱۹۴۰ و یادداشت‌های دیپلماتیک و ضمیمه‌های آن بود که به اصولی همچون اصل تساوی، اصل انحصار و بسته‌بودن دریای خزر به روی کشورهای ثالث، اصل غیرنظامی بودن دریای خزر، اصل همکاری، اصل حسن‌نیت و اصل حسن هم‌جواری تأکید می‌کرد. ایران با اعلام اینکه در این معاهدات، هیچ اشاره‌ای به مرزبندی و تحدید حدود دریایی نشده است، طرفین دریای خزر را دریای ایران و شوروی می‌نامید و رژیم حاکم بر دریای خزر را رژیم حقوقی و حاکمیت مشترک به اعتقاد ایران و به لحاظ ماهیت سرزمینی معاهدات می‌دانست. (ارشدی و طیبی، ۱۳۸۶: ۱۳۳) به اعتقاد ایران و به لحاظ ماهیت سرزمینی معاهدات مذکور، اصل جانشینی، تأثیری بر اعتبار آنها نداشته و رژیم حقوقی حاکمیت مشترک (کندومینیوم، kndominium) همچنان پابرجا است و برای تعیین رژیم حقوقی جدید دریای خزر، اتفاق آرای کشورهای ساحلی ضروری است. اما با بروز تحولاتی در مسائل دریای خزر، تغییراتی در مواضع کشورها پدید آمد. ۶ ژانویه ۱۹۹۸ روسیه و قزاقستان، طی اعلامیه مشترکی بستر قسمت‌های شمالی دریای خزر را براساس خط میانه بین خود تقسیم کردند. این اعلام اعتبار رژیم حقوقی ایران بر رژیم حقوقی کندومینیوم را دچار تردید کرد. در این بیانیه آمده است که کندومینیوم بر تحقق ۲۰ درصد برای هر یک از کشورهای ساحلی تأکید دارد. طبق این پیشنهاد، کل دریای خزر در یک مرحله به پنج بخش ملی ـ که هر بخش به لحاظ هندسی مساوی است ـ تقسیم می‌شود که در این صورت، سهمی مساوی ۲۰ درصد از دریای خزر به‌عنوان منطقه انحصاری و

ملی، به هر یک از کشورهای ساحلی تقسیم و تعلق خواهد گرفت. (کاظمی، ۱۳۸۴: ۳۲۷)

۴. رابطه آذربایجان و اسرائیل عامل مهمی در راستای عدم همگرایی دو کشور

باکو پس از فروپاشی شوروی و با توجه به رویدادهای پیش‌آمده در منطقه، نزدیکی به غرب را در بستر استراتژی بلندمدت خود قرار داده که در این میان، اسرائیل می‌تواند نقش متغیر و تسهیل‌کننده داشته باشد. یکی از اهداف این استراتژی، امید به غرب برای کمک به بازپس‌گیری دیپلماتیک ناگورنو قره‌باغ از دست ارمنستان است. آذربایجان یکی از شش جمهوری شوروی سابق است که با اتحادیه اروپا قرارداد همکاری در برنامه مشارکت شرقی را امضا کرده و طبق آن متعهد به اصلاحات سیاسی و اقتصادی شده است. اتحادیه اروپا نیز قره‌باغ را بخشی از جمهوری آذربایجان دانسته است. در عین حال، برای آذربایجان، همسایه جنوبی یعنی ایران را نمی‌توان نادیده گرفت. دو کشور ۶۱۸ کیلومتر مرز زمینی مشترک دارند و در دریای خزر نیز هم‌مرز بوده و به علاوه، دارای گذشته و عناصر فرهنگی مشترکی هم هستند. آذربایجان مانند ایران کشوری شیعه‌نشین بوده و مانند ایران نیز، عضو اکوست. بنابراین، تهران و باکو با توجه به الزامات ژئوپلیتیکی که دارند نمی‌توانند یکدیگر را در محاسبات خویش نادیده بگیرند. با وجود این، باکو رابطه با ایران را علی‌رغم حساسیت‌های غرب در قبال تهران پیگیری کرده که یکی از این حساسیت‌ها، روابط با اسرائیل است. آذربایجان نیز برای جبران الزمات و محدودیت‌های ژئوپلیتیکی خود به اقدامات زیر مبادرت کرده است:

۱. همکاری دوجانبه با تعداد زیادی از کشورها؛

۲. همکاری با بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی اعم از اسلامی، غربی و شرقی؛

۳. همکاری نزدیک با ترکیه (ترکیه مهمترین شریک استراتژیک باکو محسوب می‌شود و ضرب‌المثل «یک ملت در قالب دو دولت» گویای آن است. شاهد بارز آن، کمک نظامی ترکیه به باکو و بستن مرزهای مشترک با ارمنستان در جریان جنگ قره‌باغ است).

بنابراین، جمهوری آذربایجان سیاست خارجی مبتنی بر عملگرایی و متوازن با قدرت‌های جهانی را در راستای اهداف ملی خود در پیش گرفته است. (makili, 2013: 235)

راهکارهای سیاسی در راستای همگرایی جمهوری اسلامی ایران و آذربایجان

نظام	راهکارهای سیاسی

سیاسی	۱. تأسیس کمیته مشترک سیاسی ۲. تأسیس مجمع سیاسی اکو ۳. پیمان امنیتی ۴. حمایت از تمامیت ارضی یکدیگر ۵. ایجاد تعادل میان کشور آذربایجان و ارمنستان با حفظ رویکرد مثبت آذربایجان به ایران ۶. خنثی کردن تأثیرات منفی ترکیه، عربستان و اسرائیل بر آذربایجان

ج) راهکارهای سیاسی در راستای همگرایی جمهوری اسلامی ایران و آذربایجان

۱. تأسیس کمیته مشترک سیاسی در راستای همگرایی ایران و آذربایجان

دیپلماسی سیاسی مهم‌ترین مقوله در ارتباط‌گیری بین دولت ـ ملت‌هاست. اگر دو کشوری به لحاظ سیاسی بتوانند ارتباطات خودشان را تنظیم کرده و خرده مشکلات را حل کنند، سطح روابط آن دو کشور همیشه در سطح مطلوبی خواهد ماند و هیچ گاه دو دولت به تنش سیاسی، مرزی، حقوقی و ... نخواهند رسید. مهم‌ترین ابزار در سیاست‌ورزی بین دو کشور، دیپلمات‌های خبره، کاردان و با تجربه است که می‌توانند مشکلات سیاسی به وجود آمده را در همان ابتدا حل و فصل کنند. برای ارتباط‌گیری قوی و مستمر بین کشور ایران و آذربایجان، از جمله راهکارهایی که می‌تواند این دو کشور را در حد سیاست مطلوب و عالی نگه‌دارد، تأسیس کمیته مشترک سیاسی بین دو کشور و عدم اکتفا به ارتباط در حد سفارت است. از آن جایی که این دو کشور از حساسیت‌های بالایی برخوردار هستند و برخی از کشورهای منطقه‌ای و خارج از منطقه همیشه در صدد هستند که ارتباط این دو کشور را قطع و یا به حداقل برسانند، لذا وظیفه این کمیته مشترک سیاسی است که هر مشکلی که بین دو کشور در هر موضوعی به وجود آمد را در سطح معاون وزیر خارجه یا تیمی که توسط وزیر امور خارجه معین می‌شود، با بحث و گفتگو برطرف نمایند و در زمان‌هایی که مشکلی بین دو کشور وجود نداشت، در راستای تقویت بنیه‌های ارتباطی، میزگردها و نشست‌هایی را برگزار کنند و در رسیدن سفیر مستقر به اهداف ارتباطی خود کمک شایانی انجام دهند. (مصاحبه با پاک‌آیین، خردادماه ۱۴۰۰؛ مصاحبه با داداشی خردادماه ۱۴۰۰؛ مصاحبه با جباری تیرماه ۱۴۰۰؛ مصاحبه با ۸ نفر از نخبگان و طلاب آذربایجان در خرداد، تیرماه و مرداد ماه ۱۴۰۰؛ نشست علمی با طهماسبی، مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۳؛ نشست علمی با پاک‌آیین، ۱۳۹۶/۹/۱۱)

۲. تأسیس مجمع سیاسی اکو در گسترش همگرایی دو کشور

ارتباطات سیاسی دو کشور گاهی مستلزم ارتباط با سایر کشورهای منطقه می‌باشد. در منطقه قفقاز نیز کشورهایی مانند: آذربایجان، ارمنستان، گرجستان و روسیه وجود دارند که سیاست‌ها و نوع اتخاذ

تصمیم‌ها بر روابط کشورها تأثیرگذاری مستقیم یا غیرمستقیم دارد. تصمیمات مهم سیاسی در رابطه ایران با آذربایجان نیز به لحاظ همسایگی خاکی و آبی با کشورهای آسیای میانه و قفقاز (ورشو)، مسلماً تأثیرات حداقل جزئی می‌تواند بر کشورهای همسایه داشته باشد. با توجه به اینکه سیاست‌گذاری در دو حیطه تعریف می‌شود که حیطه اول مختص به درون دو کشور می‌باشد و حیطه دوم حیطه‌ای است که تأثیرات برون‌مرزی داشته و کشورهای همسایه را با خود وارد مناسبات سیاسی می‌کند، در این مورد نیز برای ایجاد هماهنگی‌های بیشتر بین کشورهای آسیای میانه و قفقاز به خصوص آذربایجان می‌توان مانند مجمع اقتصادی اکو که متشکل از ۱۰ کشور از آسیای میانه، قفقاز و شبه قاره می‌باشد، مجمع سیاسی اکو در منطقه قفقاز و آسیای میانه را پایه‌گذاری کرد. در این مجمع سیاسی اکو مواردی مانند: تقویت دوستی بین کشورها، کمک برای حل اختلافات، هماهنگی بین اعضای مجمع در امور مختلف بین کشورها به‌خصوص بین کشور ایران و جمهوری آذربایجان به سرانجام می‌رسد تا کشورها با ارتباطات بالا و درصد اختلاف پایین بتوانند امور منطقه را برنامه‌ریزی و هدایت کنند. وجود ظرفیت این مجمع برای کشورهای ایران و آذربایجان ضروری است ژیرا برخی از کشورها مانع رابطه دوستی بین ایران و آذربایجان می‌شوند و همیشه درصدد این هستند که این دو کشور با هم تخاصم داشته و مشکلات سیاسی و امنیتی برای همدیگر بتراشند اما با وجود این مجمع می‌توان، در زمانی که احتمال بروز مشکل بین دو کشور وجود دارد، تعادلی ایجاد کرد تا اختلافات و مشکلات ریشه‌دار نشده و لطمه‌ای به روابط سیاسی و به تبع آن به سایر حوزه‌ها زده نشود. (همان)

۳. پیمان امنیتی در راستای تقویت همگرایی بین ایران و آذربایجان

کشورهای جهان معمولاً در پس پرده سیاست‌های خود روابط اطلاعاتی و امنیتی برقرار می‌کنند تا بتوانند در مواردی که دچار تهدیداتی می‌شوند، آنها را کنترل نمایند. این امر درباره ایران و آذربایجان نیز صادق است، دو کشوری که به لحاظ زمینی و آبی مرز طولانی با هم دارند، طبیعتاً موارد امنیتی‌شان نیز به هم گره خورده است زیرا تهدید مرز هر کدام به منزله تهدید مرز کشور دیگر است؛ به‌عنوان نمونه در جنگ ۲۰۲۰ آذربایجان و ارمنستان، مرزهای خودآفرین ایران نیز مورد تهدید قرار گرفته بود، یا اینکه اگر پان‌ترکیست‌ها در خاک کشور آذربایجان تهدید امنیتی برای دولت آذربایجان ایجاد کنند و برای آن کشور مشکل ایجاد شود، طبیعتاً برای منطقه آذری زبان کشور ایران نیز مخاطراتی خواهد داشت، لذا کشور ایران و آذربایجان بالاتر از ارتباط امنیتی با وزارت اطلاعات و... باید همکاری امنیتی عمیق‌تری داشته باشند تا بتوانند در مواقع بحران از جمله ایجاد اختشاش یا انقلاب‌های مخملی که با کمک دولت‌های

مزدور دنیا صورت می‌گیرد، یا هر بحران امنیتی دیگری، یکدیگر را کمک کرده و خود را از خطرات احتمالی مصون نگه دارند. در کنار این، دو کشور ایران و آذربایجان به لحاظ اینکه قرابت‌های نزدیکی با هم دارند، می‌توانند در منطقه قفقاز، قفقاز شمالی و اروپای شرقی تأثیرگذار باشند زیرا آذربایجان دروازه اروپا و ایران دروازه آبهای گرم در جنوب محسوب می‌شود و از این حیث می‌توانند در امور امنیتی منطقه تأثیرگذار باشند و دست برتر در منطقه قفقاز قرار گیرند. البته این امر مستلزم پیمان امنیتی محکم و گسست‌ناپذیر می‌باشد و باید در سطح وزارت اطلاعات یا شورای عالی امنیت ملی دو کشور بررسی شده و برای این پیمان مهم و حیاتی تصمیم‌گیری شود. با وجود این راهبرد که شریان حیاتی ارتباط ایران و آذربایجان را تقویت می‌کند، نگاه امنیتی سردی که بین ایران و آذربایجان حاکم است و برخی از خبرگزاری‌ها و رسانه‌های معاند دو کشور همیشه به شیپور خود در این زمینه می‌دمند، مجال لجن‌پراکنی را نمی‌دهد و این سوءتفاهم‌های امنیتی که هر دو کشور نسبت به یکدیدگر دارند و برخی مواقع کمرنگ و برخی مواقع نیز با وقوع یک اشتباه یا خطا پر رنگ می‌شود، کاملاً از بین می‌رود و نتیجه‌ای که این راهبرد خواهد داشت این است که دو کشوری که در حوزه تمدنی واحد و با مشترکات فراوان هستند، با اطمینان به همدیگر و تکیه بر توان یکدیگر در منطقه تعامل خواهند کرد. (همان)

۴. حمایت از تمامیت ارضی یکدیگر برای گسترش همگرایی

جمهوری اسلامی ایران، استقلال جمهوری آذربایجان را پس از جدایی از شوروی در ۱۹۹۱ میلادی به رسمیت شناخت و در طول ۳۰ سال گذشته به تمامیت ارضی آذربایجان احترام گذاشته است. در این میان عده‌ای شیطنت‌های فراوان کردند و موضوع الحاق آذربایجان به ایران و همچنین جدایی مناطق شمال غربی ایران به‌عنوان آذربایجان جنوبی مطرح می‌کردند که این موضوع باعث رنجش این دو کشور از همدیگر شد. بنابر اعلام منابع رسمی دو کشور، این موضوع دستاویز نخ نمایی است که توسط دشمنانی که نمی‌خواهند دو کشور با هم به‌صورت مسالمت‌آمیز زندگی کرده و با هم به‌عنوان دو کشور دوست و برادر متحد شوند، ساخته و پرداخته می‌شود. همچنین ایران در مناقشه قره باغ و در جنگی که آذربایجان در دهه نود میلادی با ارمنستان داشت، طرفداری خود از آذربایجان را اعلام و از شیعیان و دولت آذربایجان حمایت کرده و تمامیت ارضی آذربایجان را به رسمیت شناخته است ایران مناطق اشغالی را نیز جزو سرزمین اسلام و آذربایجان می‌داند و تمام تلاش خود را برای برگرداندن این مناطق به کشور آذربایجان انجام می‌دهد، لذا در جنگی که در سال ۲۰۲۰ بین آذربایجان و ارمنستان رخ داد، مقام معظم رهبری به‌صورت صریح از آذربایجان حمایت کرده و لزوم برگرداندن مناطق اشغال شده را یادآور شد و قره باغ را جزو

سرزمین‌های اسلامی و آذربایجان دانست. دولت آذربایجان نیز در واکنش به موضوع نخ‌نما و تحریف‌شده آذربایجان جنوبی واکنش نشان داده و رئیس جمهور فقید (حیدر علی‌اف) و رئیس جمهوری فعلی (الهام علی‌اف) به تمامیت ارضی ایران احترام گذاشته و آن را جزو امور ثابت سیاست خارجی خود دانستند. البته ذکر این نکته ضروری است که در دوران ایلچی بیگ نیز موضوع آذربایجان جنوبی مطرح شد اما دو رئیس جمهور بعدی آن را رد کرده و آن را نظر شخصی ایلچی بیگ دانستند و عنوان کردند که نظر حاکمیت سیاسی آذربایجان مخالف نظر ایلچی بیگ می‌باشد و موضوع آذربایجان جنوبی را دسیسه‌ای برای قطع ارتباط دو کشور داشتند که با درایت دولت حیدر علی‌اف و دولت وقت جمهوری اسلامی ایران حل شد. در نهایت اینکه این دو کشور همچنان باید اجازه ندهند تا شیطنت‌هایی دراین‌باره صورت گیرد و بر ارتباط دو کشور دوست و برادر سایه افکند. (همان و سایت سفارت جمهوری اسلامی ایران در باکو)

۵. ایجاد تعادل میان کشور آذربایجان و ارمنستان با حفظ رویکرد مثبت آذربایجان و ارمنستان نسبت به ایران

بعد از استقلال جمهوری آذربایجان و ارمنستان از شوروی در دهه ۹۰ میلادی، بر اثر اختلافات مرزی بین این دو کشور، آتش جنگ روشن شد و ارمنستان برخی از مناطق آذربایجان (قره‌باغ) را اشغال کرد و آذربایجان در این جنگ شکست خورد. بعد از جنگ قره‌باغ ایران به‌طور کامل حسن هم‌جواری را با آذربایجان و ارمنستان به جا آورده و تمام تلاش خود را برای حمایت از کشور شیعی‌نشین آذربایجان که روزگاری بخشی از کشور خودش بود را انجام داد. کمک‌های بی‌دریغ ایران به آذربایجان در جنگ اول قره‌باغ و ایجاد راه مواصلاتی بین باکو و نخجوان در طول ۳۰ سال گذشته و همچنین حمایت از آذربایجان در جنگ ۴۴ روزه قره‌باغ را می‌توان از جمله کمک‌های ایران به آذربایجان نام برد. مهم‌ترین جریاناتی که بعد از آزادسازی بخش‌هایی از قره‌باغ اتفاق افتاده است، آشفتگی رابطه بین ارمنستان و آذربایجان از حالت ایستا به حالت فوران بوده که به‌دلیل پیروزی‌های اخیر احتمال دارد آذربایجان دست به اقدام نظامی زده و به پشتوانه حمایت کشورهای منطقه بخواهد تغییراتی را در منطقه ایجاد کند. البته در این مورد ایران بنا به فرموده مقام معظم رهبری (مرزهای ژئوپلتیک و بین‌المللی نباید تغییر کنند) حساسیت نشان داده و باید جلوی این اقدامات را بگیرد لذا مهم‌ترین حرکت ایران در این موقعیت جلوگیری از ایجاد هر نوع حرکتی در راستای تغییر جغرافیای سیاسی و تنش زیاد در ارتباط سیاسی آذربایجان و ارمنستان می‌باشد. التبه احتمال دارد که جمهوری آذربایجان در این حالت با تحریک برخی کشورها از جمله رژیم صهیونیستی با ایران تنش سیاسی پیدا کرده تا نظر ایران را در این مورد جلب کند اما وظیفه ایران ـ به‌عنوان کشوری که در طول ۳۰

سال گذشته تمامی تلاش خود را برای متعادل کردن ارتباط میان ارمنستان و آذربایجان در قفقاز جنوبی کرده است ـ حفظ مرزهای فعلی و ایجاد صلح و دوستی در منطقه می‌باشد.

ایجاد صلح و آرامش در منطقه قفقاز ـ که متشکل از کشورهای ایران، آذربایجان، ارمنستان و گرجستان می‌باشد ـ به‌عنوان شاهراه کریدور شمال به جنوب ضروری است. در صورتی که در این منطقه فعالیت‌های ضد امنیتی صورت گیرد، عملاً کریدور شمال به جنوب به خطر افتاده و منابع گازی و نفتی خزر برای صادرات با چالش مواجه خواهند شد. همچنین ایران در راستای هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و بحث اقتصادی و ترانزیتی منابع نفتی و گازی در دریای خزر برای ارسال به اروپا و عبور این مسیر از کشور آذربایجان ـ ارمنستان ـ ترکیه، باید در جهت عادی‌سازی رابطه این دو کشور تلاش کند، از طریق مذاکره اقدامات لازم را انجام دهد، و ارتباط خود با ارمنستان ـ که صرفاً جنبه اقتصادی و ترانزیتی دارد ـ را محفوظ نگه داشته و در خصوص ارتباط با آذربایجان ـ که ریشه در تاریخ و فرهنگ و دین و مذهب واحد دارد ـ سعی کند تا تمامی سوتفاهم‌های بین خود و آذربایجان را برطرف نماید. نهایت سخن اینکه تعادل بین دو دولت آذربایجان و ارمنستان، باید جزو اولویت‌های اول سیاست خارجی ایران باشد؛ البته در این میان نباید مردم آذربایجان تصور نمایند که ایران طرفدار ارمنستان بوده و جانب ارمنستان را در نظر دارد، حال آن که ایران از ابتدای استقلال آذربایجان طرفدار باکو بوده و تمامی کمک‌های خود به آذربایجان نیز از باب حس برادری و حسن همسایگی دو برادر مسلمان و شیعه بوده است. (همان)

۶. خنثی کردن تأثیرات منفی ترکیه، عربستان و اسرائیل بر آذربایجان برای همگرایی بیشتر دو کشور

ازجمله کشورهایی که در اواخر دهه ۹۰ میلادی در آذربایجان نفوذ کردند، ترکیه و رژیم صهیونیستی هستند. ترکیه با ترفند زبان مشترک و تئوری برادر جدایی‌ناپذیر، روابط خود با آذربایجان را آغاز کرد تا از این کشور به‌عنوان اهرمی در مقابله با ایران استفاده کند. ترکیه در برخی مواقع نسبت به حساسیت‌های قومی از طریق این کشور دامن می‌زد و در برخی مواقع نیز جمهوری آذربایجان را ترغیب به مقابله با جمهوری اسلامی ایران ـ به‌عنوان اینکه ایران جمهوری آذربایجان را به‌عنوان کشوری مستقل قبول ندارد و درصدد است تا این کشور را به خاک خود ضمیمه کند ـ می‌کرد. تمامی این موارد از طریق پشت‌پرده ـ مخصوصاً از دورانی که اردوغان سکاندار دولت ترکیه شده است ـ انجام می‌گرفت، درحالی‌که ترکیه کنونی دنبال الحاق آذربایجان و کشورهای ترک‌زبان آسیای میانه به خود بوده است و این ایده را با نام دولت عثمانی و احیای دولت عثمانی انجام می‌دهد. لذا درصدد ایجاد خط ترانزیت شرق به غرب از طریق ترکیه، آذربایجان، دریای خزر و ترکمنستان به سمت چین می‌باشد. به این جهت ترکیه درصدد است تا کشور آذربایجان را از کشور ایران جدا کرده و بتواند بر این کشور نفوذ داشته باشد. همچنین رژیم صهیونیستی نیز در طول ۲۰ سال حضور در این

کشور، تمام سعی خود را کرده است تا بتواند این کشور شیعی را از ایران جدا کرده و متحد خود سازد؛ در این راستا اقدامات منافی امنیت ملی را از خاک کشور آذربایجان بر علیه ایران انجام داده است تا ایران به آذربایجان مظنون شده و روابط این دو کشور قطع شود، البته در مواردی نیز در ایجاد سوءظن‌هایی بین دو کشور موفق هم شده است. مانند اینکه چهره‌ای ضد آذربایجانی و طرفدار ارمنستان از ایران در بین مردم آذربایجان ساخته است و همچنین از خاک این کشور برای خرابکاری در ایران استفاده می‌کند.

مهم‌ترین راهکار در راستای همگرایی بین ایران و آذربایجان، خنثی‌کردن عملکرد ترکیه، عربستان و اسرائیل در آذربایجان می‌باشد. تا زمانی‌که کشورهای دشمنان قسم‌خورده ایران ـ در ظاهر و برخی نیز در باطن ـ در آذربایجان نفوذ دارند، اجازه نخواهند داد روابط حسنه دو برادر، خوب و مستحکم شده و مانند اوایل استقلال این کشور باشد؛ لذا ایران و آذربایجان در امور سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی باید برنامه‌های مشترکی داشته باشند تا در گذر زمان هیچ کشوری نتواند بین این دو نفوذ کند و از آب گل‌آلود ماهی بگیرد. همچنین دو کشور باید تلاش کنند تا فعالیت‌های حساسیت‌برانگیز انجام ندهند. برقراری روابط توریستی گردشگری و مذهبی نیز در این میان از اولویت مهمی برخوردار است. (همان)

نتیجه

مقاله فوق تلاش کرد تا با تحلیل و تبیین فرصت‌ها و تهدیدات، علل همگرایی و واگرایی و همچنین نیروهای ذی‌نفوذ درون آذربایجان، منطقه‌ای و بین‌المللی، و با بهره‌گیری از چارچوب همگرایی ـ در ساحت بینشی مانند: امور اعتقادی بین دو مردم، جامعه دیندار، اعلام شعائر توسط دو کشور و..؛ در حوزه انگیزشی مؤلفه‌هایی چون: انگیزش‌ها، ارجحیت‌ها، احساسات، عواطف، انفعالات، منافع کشوری، فردی، حزبی و گروهی، ازجمله: رهبران دو کشور، شخصیت‌های تأثیرگذار، جریان‌ها و احزاب و ... و همچنین ویژگی‌های خاص شخصیتی، ژنتیکی و اکتسابی، تجارب شخصی و اجتماعی و...؛ منابع محیطی از جمله: اشتراکات و پیوندهای تاریخی، عامل سیاسی، عامل قومی و زبان واحد عوامل مذهبی و عامل فرهنگی و.. ـ راهکارهایی را در راستای همگرایی دو دولت ارائه کند. اما به‌دلیل محدودیت در حجم مقاله، فقط به تحلیل منابع محیطی در نوشتار حاضر بسنده شده است.

مقاله حاضر براساس مطالعات میدانی و تحلیل گزاره‌های ارائه شده توسط مسئولین دست‌اندکار در حوزه آذربایجان، راهکارهای: تأسیس کمیته مشترک سیاسی، تأسیس مجمع سیاسی اکو، پیمان امنیتی، حمایت از تمامیت ارضی یکدیگر، ایجاد تعادل میان کشور آذربایجان و ارمنستان با حفظ رویکرد مثبت آذربایجان به ایران و خنثی کردن تأثیرات منفی ترکیه، عربستان و اسرائیل بر آذربایجان را برای همگرایی دو دولت ارائه

داده است. به‌دلیل غبارآلود بودن فضای روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان در سه دهه اخیر، ضروری است تا راهکارهایی در راستای رفع این فضا ارائه گردد تا براساس این راهکارها، برنامه‌ای عملیاتی با نقشه‌راه مشخص برای همگرایی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان تهیه و تدوین شود. لذا در این بستر می‌توان گفت که طبق اطلاعاتی که از محیط آذربایجان به دست آمده است، راهکارهایی استخراج شده و در نهایت از درون راهکارها برنامه عملیاتی تهیه و تدوین شده است تا قفل عدم همگرایی بین ایران و آذربایجان شکسته شود و فضای امنیتی بین این دو دولت ـ ملت شیعی برداشته شود.

جدول محیطی؛ راهکارهای همگرایی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان

ر	زمینه‌های همگرایی	زمینه‌های واگرایی		راهکارها
۱	اشتراکات و پیوندهای تاریخی	مانع سیاسی	راهکارها	تأسیس کمیته مشترک سیاسی تأسیس مجمع سیاسی اکو پیمان امنیتی حمایت از تمامیت ارضی یکدیگر ایجاد تعادل میان کشور آذربایجان و ارمنستان با حفظ رویکرد مثبت آذربایجان به ایران خنثی کردن تأثیرات ترکیه، عربستان و اسرائیل بر آذربایجان
۲	عامل سیاسی	رویکردهای امنیتی متفاوت دو کشور		
۳	عامل قومی و زبان واحد	مناقشه دریای خزر		
۴	عوامل مذهبی	رابطه آذربایجان و آمریکا		
۵	عامل فرهنگی	رابطه آذربایجان و اسرائیل		

جدول همگرایی ایران و آذربایجان

منابع و مآخذ

۱. احمدیان، امیر، ۱۳۸٤، ***بهرام، روابط ایران و جمهوری آذربایجان***، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

۲. ارشدی، علی‌یار و سبحان طیبی، ۱۳۸٦، «بررسی رژیم حقوقی دریاچه خزر با تأکید بر مواضع حقوقی دول ساحلی»، ***عدالت آرا***، ش ٦ و ۷.

۳. اسدزاده، محمدرضا، ۱۳۸۸، «تجربه‌های زندگی و فعالیت‌های فرهنگی در باکو»، تاریخ انتشار ۱۳۸۸/۱/۲٦، تاریخ مراجعه ۱۳۹۱/٤/۷، قابل دسترس در:
http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8801260739

٤. اسدی‌کیا، بهناز، ۱۳۷٤، ***جمهوری آذربایجان***، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات.

۵. امیری، مهدی، ۱۳۹۰، «ارزیابی روابط ایران و جمهوری آذربایجان در قرن بیستم»، ***فصلنامه ۲۳۹ ـ***

مجلس و پژوهش، دوره ۱۳، ش ۵۳.

٦. برزگر، کیهان، ۱۳۸۳، ***شناسایی عناصر تأثیرگذار در رفتار سیاست خارجی ایران و آذربایجان*** (مجموعه مقالات یازدهمین همایش بین‌المللی آسیای مرکزی و قفقاز: امنیت در قفقاز جنوبی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، به کوشش پروین معظمی گودرزی)، تهران، مرکز چاپ و انتشارات.

۷. پاک‌آئین، محسن، ۱۳۹۸، ***چهار سال آن‌سوی ارس خاطرات محسن پاک آئین***، وزارت امور خارجه.

۸. تقی‌زاده داوری، محمد، ۱۳۸۹، شیعیان ***جمهوری آذربایجان***، قم، انتشارات شیعه‌شناسی.

۹. چابکی، ام‌البنین، ۱۳۸۸، ***چالش‌های روابط ایران و جمهوری آذربایجان***، مطالعات اوراسیای مرکزی، سال ۲، ش ٤.

۱۰. حافظ‌نیا، محمدرضا، ۱۳۷٦، «در جمهوری آذربایجان چه می‌گذرد؟»، ***مجله پاسدار اسلام***، ش ۱۹۰.

۱۱. خبرنامه دانشجویان ایران، ۱۳۹۱، ***وضعیت اسلام‌گرایی در «جمهوری آذربایجان» چگونه است؟***، تاریخ انتشار ۱۳۹۱/۲/۲٦، تاریخ مراجعه ۱۳۹۱/٤/۱، قابل دسترس در:
http://iusnews.ir/?pageid=3354

۱۲. رسول‌زاده، محمدامین، ۱۳۸۰، ***جمهوری آذربایجان ـ چگونگی شکل‌گیری و وضعیت کنونی آن***، مترجم تقی سلام‌زاده، تهران، چاپ شیرازه.

۱۳. سایت سفارت جمهوری اسلامی ایران در باکو: https://azerbaijan.mfa.gov.ir

۱٤. سایت موعود، ۱۳۹۰، «چالش‌ها و فرصت‌های شیعیان جمهوری آذربایجان»، تاریخ انتشار ۱۳۹۰/۱۲/۳، تاریخ مراجعه ۱۳۹۱/۳/۱۵، قابل دسترس در:
http://mouood.org/component/k2/item/3375.html

۱۵. کاظمی، احمد، ۱۳۸٤، ***امنیت در قفقاز جنوبی***، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

۱٦. مجتهدزاده، پیروز؛ رضا پویان و یدالله کریمی‌پور، ۱۳۸۷، «تحلیل و بررسی همپوشی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در تعامل با جمهوری آذربایجان با واقعیت‌های ژئوپلیتیک»، ۲۱۳ ـ ***فصلنامه مدرس علوم انسانی***، دوره ۱۲، ش ۲.

۱۷. مصاحبه با ابراهیم عیوض اف، نخبگان و طلاب آذربایجان در خردادماه ۱٤۰۰.

۱۸. مصاحبه با المان رسول اف، از نخبگان و طلاب آذربایجان در خردادماه ۱٤۰۰.

۱۹. مصاحبه با الهام محمداف، از نخبگان و طلاب آذربایجان در خردادماه ۱٤۰۰.

۲۰. مصاحبه با حجت‌الاسلام والمسلمین محمدرضا جباری، امام جمعه شهر شوط آذربایجان غربی تیرماه ۱٤۰۰.

۲۱. مصاحبه با خانم سارا علی‌آوا از نخبگان و طلاب آذربایجان در خردادماه ۱٤۰۰.

۲۲. مصاحبه با خانم سعادت علی‌آوا، از نخبگان و طلاب آذربایجان در خردادماه ۱٤۰۰.

۲۳. مصاحبه با رضا اسد اف، از نخبگان و طلاب آذربایجان در خردادماه ۱٤۰۰.

۲٤. مصاحبه با سفیر سابق اجمهوری اسلامی ایران در باکو، خردادماه ۱٤۰۰

۲۵. مصاحبه با شیخ یاسر حاجی اف، از نخبگان و طلاب آذربایجان در خردادماه ۱٤۰۰.

۲٦. مصاحبه با شیخ یاسر حاجی‌اف، از نخبگان و طلاب آذربایجان در خردادماه ۱٤۰۰.

۲۷. مصاحبه با ولی‌الله داداشی، نماینده سابق مجلس شورای اسلامی از آستارا خردادماه ۱٤۰۰

۲۸. نسیدزه، سرکیسیان، کریمو، ۲۰۰۲، «آزمایش فرضیه جایگزینی زبان در قفقاز: شواهد بدست آمده از کروموزوم y»، تاریخ انتشار ۲۰۰۲/۸/۹، تاریخ مراجعه ۱۳۹۱/٤/۱، قابل دسترس در: http://www.eva.mpg.de/genetics

۲۹. نشست علمی چالش‌های هویتی شیعیان آذربایجان، جناب آقای پاک‌آیین سفیر اسبق ایران در آذربایجان، مورخ ۱۳۹٦/۹/۱۱.

۳۰. نشست علمی حجت‌الاسلام والمسلمین طهماسبی، مدیر کشورهای مشترک المنافع و ترکیه معاونت بین‌الملل جامعة المصطفی العالمیه، مورخ ۹٤/۱۰/۳.

۳۱. واحدی، الیاس، ۱۳۸٦، ***هویت قومی در جمهوری آذربایجان***، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

32. Brown, “Wanting to Have Their Cake and Their Neighbor’s Too: Azerbaijani Attitudes towards Karabakh and Iranian Azerbaijan”, ***Middle East Journal***, V. 58, No. 4, p. 590 – 592.
33. Chalmers, Johnson, in the South Caucasus and Caspian Region: Diverging Views of the U. S and Europe”, SWP Berlin “Iran and its Neighbors”, 1968
34. Craig Nation, R, “Russia, The United States, And The Caucasus”, ***Strategic Studies Institute***, ISBN 1-58487-282-9.
35. Koolaee, and Hafezian, “The Islamic of Iran and the South Caucasus Republics”, ***Iranian Studies***, V. 43, No. 3.
36. Koolaee, and Hafezian, “The Islamic of Iran and the South Caucasus Republics”, ***Iranian Studies***, V. 43, No. 3.
37. Lieber, Robert j., 1972, ***Theory and World Politics***, Cambridge: Winthrop Publishers.

38. Makili-Aliyev, Kamal, 2013, "Azerbaijan's Foreign Policy: Between East and West", ***Istituto Affari Internazionali***, Brezinski, World Order Of The Future, (Dawn Karachi), p. 235.
39. Shaffer, "Irans Role in the South Caucasus and Caspian Region: Diverging Views of the U. S and Europe", ***SWP Berlin*** "Iran and its Neighbors", july 2003, p. 17 - 22.